

نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری

۱- عدم ضرورت پرداخت هزینه‌های متعدد دادرسی به لحاظ تعدد عناوین شکوائیه طرح عناوین متعدد جزایی در یک شکایت کیفری موجب پرداخت هزینه‌های متعدد نیست و برای تمامی آنها تنها یک هزینه باید پرداخت شود.
(نظریه شماره ۷/۳۶۰۲ مورخه ۱۳۸۸/۶/۱۴)

۲- مجانی بودن واخواهی و تجدیدنظرخواهی از آرای شوراهای حل اختلاف واخواهی و تجدیدنظرخواهی از آرای شوراها و آرای قاضی شورا و اجرای احکام شورا مجانی است و فقط در آغاز رسیدگی شورا متضمن هزینه مقرر در ماده ۲۴ قانون شورای حل اختلاف می‌باشد.
(نظریه شماره ۷/۳۶۰۲ مورخه ۱۳۸۸/۶/۱۴)

۳- ملاک بودن قانون شوراهای حل اختلاف در محاسبه هزینه دادرسی در آن شورا قانون بودجه مصوب ۱۳۸۸، در خصوص تعرفه هزینه دادرسی شکایات کیفری و دعاوی مدنی مطرح شده در دادسرا و دادگاه‌های دادگستری به عنوان عام موخر، مخصص هزینه‌های مذکور در قانون خاص مقدم (شوراهای حل اختلاف) نبوده و منصرف از آن می‌باشد. بنابراین هزینه دادرسی موضوعات مطرح شده در شوراهای حل اختلاف تابع قانون شوراها می‌باشد.
(نظریه شماره ۷/۳۶۰۲ مورخه ۱۳۸۸/۶/۱۴)

۴- میزان هزینه دادرسی تعیین شده در قانون بودجه سال ۱۳۸۸ قید عبارت افزایش تعرفه مندرج در بخش سوم جدول تغییرات درآمدها در قانون بودجه ۱۳۸۸، به معنای احتساب میزان تعرفه قبلی هزینه‌های دادرسی با میزان فعلی در قانون مذکور نمی‌باشد بلکه مقنن با محاسبه مابه‌التفاوت هر دو مبلغ، میزان فعلی را

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

تعیین نموده است.

(نظریه شماره ۷/۳۶۰۲ مورخه ۱۳۸۸/۶/۱۴)

۵- لزوم استرداد جزای نقدی به محکوم علیه و اخذ مال از شاکی در صورت نقض حکم در هر مورد که حکم محکومیت جزایی به لحاظ قطعی بودن به مرحله اجرا درآمده و بعداً حکم مزبور به یکی از مصادیق مقرر در قانون نقض و بلااثر شود، در صورتی که تمام یا قسمتی از کیفر مورد حکم در دادنامه منقوض، جزای نقدی یا رد مال به شاکی خصوصی باشد، لازم است با توجه به اینکه اجرای مفاد رای یاد شده اخیر به دستور مقامات صلاحیت‌دار و با استفاده از اقتدارات قانونی صورت گرفته است از همین طریق نیز نسبت به استرداد جزای نقدی و همچنین اخذ مال یا وجهی که من غیرحق به شاکی خصوصی پرداخت شده اقدام و اموال یا وجوه مأخوذه به صاحب اولیه آن تسلیم شود. مستند قانونی اقدامات مذکور نیز ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی بوده که طبق اصول کلی، مقررات آن در امور جزایی نیز در مواردی که حکم قضیه در قوانین کیفری به صراحت ذکر نشده قابلیت اجرا خواهد داشت.

(نظریه شماره ۷/۳۷۱۹ مورخه ۱۳۸۸/۶/۱۸)

۶- مرجع صالح رسیدگی به اعتراض به قرار منع تعقیب و تشخیص رعایت مهلت اعتراض

رسیدگی به اعتراض شاکی نسبت به قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب صادره از دادسرا طبق بند «ن» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به عهده دادگاه صالحه «عمومی یا انقلاب» است و تشخیص اینکه اعتراض مزبور ظرف مهلت قانونی به عمل آمده یا خارج از آن نیز با همان دادگاه است و در صورتی که دادگاه اعتراض شاکی را خارج از مهلت قانونی تشخیص دهد، قرار رد آن را صادر می‌نماید و پرونده را به دادسرا عودت می‌دهد.

(نظریه شماره ۷/۳۷۲۰ مورخه ۱۳۸۸/۶/۱۸)

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

۷- نقش شرط عندالاستطاعه بودن مطالبه مهریه در شرایط معمول عندالمطالبه می باشد، لکن چنانچه مطالبه آن مشروط به استطاعت زوج باشد اثبات تحقق شرط مبنی بر استطاعت و توانایی زوج بر پرداخت مهریه با مدعی است در غیر این صورت شرط مذکور عبث خواهد بود.
(نظریه شماره ۷/۳۷۸۶ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۲)

۸- امکان دخالت نماینده اصیل برای ادامه عملیات اجرایی با توجه به مقررات مربوط به دخالت وکلای دادگستری در مورد رسیدگی به دعاوی مطروحه و یا دفاع از آنها و نیز وظایف وکیل دادگستری در اجرای احکام، به نظر می رسد که درخواست صدور اجرائیه منحصرآ باید توسط اصیل یا وکیل دادگستری صورت گیرد اما در مورد ادامه عملیات اجرائی اصیل می تواند نماینده برای مزایده یا هر نوع عمل اجرائی دیگری معرفی نماید و در این خصوص دخالت وکیل دادگستری ضرورتی ندارد.
(نظریه شماره ۷/۳۷۸۸ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۲)

۹- مانع نبودن امتناع اولیای دم از تحویل گرفتن جسد از صدور جواز دفن چنانچه دادگاه پس از بررسی اقدامات انجام شده از سوی مامورین و پزشکی قانونی برای شناسایی جسد و جمع آوری دلایل، برای احراز هویت قاتل [دلایل] را کافی دانسته و اولیای دم نیز شناسایی شوند؛ امتناع اولیای دم از تحویل گرفتن جسد نمی تواند مانع صدور دستور دفن جسد از سوی مقام قضایی شود.
(نظریه شماره ۷/۳۷۸۸ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۲)

۱۰- مالی بودن دعوای الزام به تنظیم سند اتموبیل
دعوی الزام به تنظیم سند رسمی اتموبیل نیز یک دعوی مالی است و طبق مقررات بند

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

۴ ماده ۶۲ و ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی باید نسبت به ابطال تمبر هزینه دادرسی اقدام شود.
(نظریه شماره ۷/۳۸۲۷ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۱- عدم تکلیف دادگاه به رسیدگی، در صورت عدم ابطال تمبر هزینه دادرسی رسیدگی دعوی در محاکم حقوقی اعم از بدوی و تجدیدنظر مستلزم تمبر هزینه دادرسی در دادخواست است و دادگاه قبل از پرداخت هزینه دادرسی تکلیفی برای رسیدگی ندارد مگر اینکه حکم اعسار خواهان از پرداخت هزینه دادرسی صادر شده باشد. مدیران دفاتر دادگاه‌ها در صورت عدم تکمیل دادخواست (که الصاق و ابطال تمبر هزینه دادرسی یکی از موارد تکمیل پرونده است)، طبق بند ۱ ماده ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی اقدام به ارسال اخطار رفع نقص می‌نمایند و عدم رفع نقص دادخواست موجب رد دادخواست در مرحله بدوی و رد دعوی در مرحله تجدیدنظر خواهد بود.
(نظریه شماره ۷/۳۸۲۷ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۲- شرایط اجرای قرار تامین خواسته قبل یا بعد از ابلاغ اجرای قرار تامین خواسته، قبل یا بعد از ابلاغ و کیفیت و نحوه اجرای آن با دادگاه است. در صورت احراز ضرورت، فوریت و توجیه عقلی و شرعی و قانونی اجرای تامین خواسته از سوی دادگاه، اجرای آن قبل از ابلاغ نیز اشکال و منع قانونی ندارد.
(نظریه شماره ۷/۳۸۲۸ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۳- جواز اجرای دو مجازات در یک زمان در صورت عدم تزامن چنانچه اجرای توأم مجازات‌ها مشکلی ایجاد نکند و اجرای یک مجازات مانع اجرای مجازات دیگر نباشد و اجرای هر دو مجازات در یک زمان بلاشکال است و در فرض سوال که انفصال از خدمت و قطع رابطه

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

حقوقی و استخدامی بین محکوم و دستگاه اداری است؛ اجرای حکم انفصال مانع از تحمل کیفر حبس نیست و هم‌زمان با آن قابل اجراست. مضافاً به اینکه رعایت نفع متهم نیز مقتضی چنین اقدامی می‌باشد.
(نظریه شماره ۷/۳۸۳۰ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۴- صدور قرار عدم استماع توسط شورای حل اختلاف نسبت به دعوای بیش از نصاب صلاحیت

با توجه به بند یک ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸ که به موجب آن شوراهای حل اختلاف روستا فقط صلاحیت رسیدگی به دعوای مالی تا سقف بیست میلیون ریال را دارند چنانچه دعوی مالی زاید بر نصاب صلاحیت شوراهای حل اختلاف روستا و تا سقف پنجاه میلیون ریال نزد آنها اقامه شود موجب قانونی برای ارسال پرونده به نزدیک‌ترین شورای حل اختلاف شهر جهت رسیدگی وجود ندارد بلکه پرونده با صدور قرار عدم استماع از آمار کسر و بایگانی می‌شود و مدعی به دادگاه صالحه محل هدایت می‌شود. زیرا طبق ماده ۱۲ قانون مرقوم، حق صلاحیت محلی هر شورا منطبق با حوزه قضایی مربوط است که یا از حیث نصاب صالح به رسیدگی به دعوی مطروحه است که طبق مقررات رسیدگی می‌کند یا صالح به رسیدگی نیست که به شرح فوق اقدام می‌کند به عبارت دیگر دعوای مالی زاید بر نصاب صلاحیت شوراهای حل اختلاف روستا در صلاحیت دادگاه صالحه محل است ولو اینکه مبلغ خواسته کمتر از پنجاه میلیون ریال باشد.
(نظریه شماره ۷/۳۸۳۳ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۵- عدم صلاحیت شورای حل اختلاف برای رسیدگی به دعوای کیفری مستلزم صدور حکم راجع به دیه

با توجه به اینکه طبق صریح بند الف ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۸۷/۴/۱۸ در جرائم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

راهنمایی و رانندگی که مجازات قانونی آن، حداکثر، مجموعاً تا سی میلیون ریال و یا سه ماه حبس باشد صلاحیت رسیدگی دارند و نظر به اینکه طبق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۷ مجازات بازدارنده، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد، در حالی که طبق ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی، دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی‌علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می‌شود و ماهیت دوگانه دارد؛ یعنی هم جنبه مجازات مجرم را دارد و هم جنبه خسارات و صدمات به جسم مجنی‌علیه، و به همین جهت هم با فوت مجرم حق مجنی‌علیه در مطالبه دیه از محل ماترک او ساقط نمی‌شود. بنا به جهات یاد شده شوراها حل اختلاف صالح به رسیدگی و اصدار رای در مورد دعاوی کیفری که مستلزم صدور در مورد دیه نفیاً یا اثباتاً باشد نیستند.
(نظریه شماره ۷/۳۸۳۳ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۶- مجاز نبودن شورای حل اختلاف نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت شوراها حل اختلاف مجاز به صدور قرار عدم صلاحیت در پرونده‌های کیفری و حقوقی که نزد آنها مطرح است به صلاحیت مراجع قضایی نیستند و چنانچه صالح به رسیدگی به پرونده حقوقی مطروحه نباشند پرونده را با صدور قرار عدم استماع از آمار کسر و بایگانی نموده و مدعی را به دادگاه صالحه هدایت می‌کنند و چنانچه صالح به رسیدگی به پرونده کیفری مطروحه نباشند پرونده را از آمار کسر و عیناً جهت رسیدگی به مرجع قضائی صالح ارسال می‌کنند. بدیهی است با توجه به صراحت ماده ۱۷ قانون مرقوم حدود اختلاف در صلاحیت بین شوراها حل اختلاف با مراجع قضایی موضوعاً منتفی است و نظر مرجع قضایی در هر حال برای شورای حل اختلاف لازم‌الاتباع است.
(نظریه شماره ۷/۳۸۳۳ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۷- مرجع صالح رسیدگی به اعتراض بر گواهی حصر وراثت

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

اعتراض به گواهی حصر وراثت صادره از شورای حل اختلاف در همان شورای صادرکننده گواهی مذکور بایستی مورد رسیدگی قرار گیرد. البته رای صادره از ناحیه قاضی شورا در این خصوص طبق ماده ۳۱ قانون یاد شده قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی در دادگاه عمومی همان حوزه قضایی است.
(نظریه شماره ۷/۳۸۳۳ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۸- تکلیف رفع اثر از قرارهای تامینی در صورت صدور رای موقوفی یا منع تعقیب و برائت چنانچه قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم صادر و [پرونده] به هر کیفیت مختومه شود، قرارهای تامین صادره ملغی الاثر خواهد شد و فرق نمی کند که قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب در دادسرا صادر شود و یا در دادگاه برائت حاصل شود، در هر صورت قاضی مکلف است پس از صدور قرارهای مذکور یا صدور حکم برائت از تامین مأخوذه رفع اثر نماید.
(نظریه شماره ۷/۳۸۳۴ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

۱۹- مفهوم تغییر کاربری اراضی و مرجع تشخیص مصداق آن در فرض استعلام، محصور کردن اراضی قانونی و کشیدن دیوار و فنس و پرچین به دور زمین برای محافظت از [عملیات] کشاورزی و محصولات آن منع قانونی ندارد و تخلف محسوب نمی شود و به معنای تغییر کاربری یا دلیل بر تغییر کاربری زمین نیست. همان گونه که احداث استخر برای آبیاری درختان و مزرعه به منزله تغییر کاربری نیست. اما در هر حال تشخیص مصداق کاربری، برابر ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی و باغها مصوب ۱۳۸۵/۸/۱ با وزارت جهاد کشاورزی است.
(نظریه شماره ۷/۳۸۳۵ مورخه ۱۳۸۸/۶/۲۳)

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

سؤال - طبق ماده ۶ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶/۵/۲۶، هرگاه مالک، ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید، می تواند مبلغی را تحت عنوان سرقفلی از مستأجر دریافت نماید همچنین مستأجر می تواند در اثناء مدت اجاره برای واگذاری حق خود مبلغی را از موجر و یا مستأجر دریافت نماید مگر این که در ضمن عقد اجاره حق انتقال به غیر سلب شده باشد و طبق تبصره ۲ همان ماده در صورتی که موجر به طریق صحیح شرعی، سرقفلی را به مستأجر منتقل نماید، حق مطالبه سرقفلی به قیمت روز را دارا می باشد، در صورتی که مستأجر با وجود سلب حق انتقال به غیر مورد اجاره را به غیر انتقال دهد و مالک دادخواست تخلیه بر علیه مستأجر و منتقل الیه تقدیم دادگاه نماید، آیا به مستأجر یا منتقل الیه، سرقفلی و یا حق کسب و پیشه تعلق می گیرد یا نه؟ و در صورت تعلق به قیمت روز می باشد و یا قیمت تقدیمی مستأجر متخلف در زمان خرید و ضمناً با توجه به ماده ۶ قانون فوق که در آن اثناء مدت اجاره قید شده، آیا فرقی مابین انتقال در اثناء مدت اجاره و یا پس از انقضاء مدت اجاره موجود است یا نه؟ و ضمانت اجرای تخلف مستأجر به چه نحوی جبران می گردد.

نظریه شماره ۷/۵۹۲۴ - ۱۳۸۷/۹/۲۳

در فرض استعلام چنانچه از مستأجر سلب حق انتقال به غیر شده باشد و با وجود آن، مورد اجاره را به غیر واگذار نماید چون منتقل الیه مستأجر محسوب نمی شود و با انتقال مورد اجاره به غیر بدون مجوز، حق مذکور از بین می رود. بنابراین سرقفلی یا حق کسب و پیشه به وی تعلق نمی گیرد و فرقی بین انتقال در اثناء مدت اجاره و یا پس از انقضاء مدت اجاره وجود ندارد و ضمانت اجرای تخلف مستأجر تخلیه بدون پرداخت سرقفلی یا حق کسب و پیشه است با این توضیح که چنانچه تخلف قبل از انقضای مدت اجاره صورت گیرد و مالک در صدد تخلیه مورد اجاره باشد می تواند تقاضای فسخ اجاره نامه و تخلیه مورد اجاره را از دادگاه صلاحیتدار بخواهد و چنانچه مدت اجاره منقضی شده باشد مالک حق دارد طبق ماده ۳ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۷۶ مورد

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

۲۱

سؤال - تصویر یادداشت شماره ۳۱۳۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۵ سفارت ترکیه مورد اشاره ضمیمه نمی‌باشد آیا هزینه ابلاغ اوراق قضائی کشور خارجی از طریق انتشار آگهی در ایران به عهده کشور خارجی است یا به عهده کشور ایران؟

نظریه شماره ۷/۳۱۸ - ۱۳۸۹/۱/۲۵

با توجه به اینکه یکی از طرق ابلاغ اوراق قضایی که در ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی گردیده ابلاغ از طریق آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار می‌باشد. چنانچه این تقاضا از طرف مراجع قضایی کشور ترکیه بعمل آید، به جهت وجود قرارداد تعاون متقابل مقامات قضایی دو کشور در امور جزایی و با عنایت به اینکه در ماده ۱۵ قرارداد مذکور ابلاغ اوراق قضایی به عنوان یکی از مصادیق تعاون متقابل قضایی قید گردیده و در ماده ۱۸ نیز تصریح گردیده که مخارج مربوط به تعاون متقابل مقامات قضایی دو کشور به عهده کشوری خواهد بود که تقاضا از آن بعمل می‌آید لذا هزینه ابلاغ اوراق قضایی از طریق نشر آگهی بعهد کشوری که طرف تقاضا قرار گرفته خواهد بود.

۲۲

سؤال - اگر پس از صدور حکم و تجدیدنظر خواهی و ارسال پرونده به شعبه دادگاه تجدیدنظر، این دادگاه به جهت نواقص پرونده را جهت رفع نقص به دفتر شعبه اعاده و دفتر مراتب رفع نقص را به صورت کامل به تجدیدنظر خواه اقدام نماید لیکن به صورت کامل رفع نقص نشود و به مرجع تجدیدنظر ارسال و دادگاه تجدیدنظر مجدداً از این جهت که رفع نقص به صورت کامل انجام شده اعاده نماید حال وظیفه دادگاه بدوی در این خصوص و حالت چیست؟

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

نظریه شماره ۷/۲۴۵ - ۱۳۸۸/۱/۲۳

با توجه به صراحت مقررات تبصره ۲ ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی که از پرونده رفع نقص به عمل نیامده باشد دادگاه بدوی بایستی طبق مقررات تبصره مذکور اقدام نماید و در صورتی که مراتب رفع نقص به طور کامل به تجدیدنظرخواه اعلام شده باشد ولی رفع نقص نگردیده باشد (در همان مرحله اول) نیازی به اعلام مجدد به وی (تجدیدنظرخواه) نمی‌باشد.

۲۳

سوال - در مواردی که دادخواست و دعوی مطروحه از سوی خواهان با طرح ایرادات شکلی و دفاعیات وکیل خوانده در جلسات اول رسیدگی منجر به اعاده پرونده به دفتر دادگاه و در نهایت صدور قرار دفتر مبنی بر رد دادخواست به دلیل عدم رفع نقص در مهلت قانونی گردیده که با اعتراض خواهان قرار مذکور توسط دادگاه مقام تایید و ابرام گردیده است میزان حق الوکاله متعلقه به وکلاء دادگستری چقدر است؟

نظریه شماره ۷/۶۷۰ - ۱۳۸۸/۲/۷

هرگاه دادخواست خواهان با طرح ایرادات شکلی از ناحیه وکیل خوانده، منتهی به اعاده پرونده به دفتر دادگاه و سپس صدور قرار رد دفتری دادخواست و تایید آن در دادگاه به لحاظ عدم رفع نقص در مهلت قانونی از ناحیه خواهان شود، در دعاوی مالی به استناد ملاک بند - ب - ماده ۶ و در دعاوی غیرمالی برابر بند - ج - تبصره ذیل بند ۲ ماده ۸ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۸۵ تعیین می‌شود ولی در مواردی که بین وکیل و موکل قرارداد باشد برابر قرارداد عمل می‌شود.

۲۴

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

- ۱- چنانچه رای صادره از طرف رئیس قوه قضائیه خلاف بین شرع تشخیص داده شود آیا نحوه ابلاغ رای به ذی نفع تأثیری در تشخیص مذکور دارد؟
- ۲- آیا در صورت پذیرش اعاده دادرسی پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه صادرکننده ۱۳۸۹/۲/۱۹ رای قبلی فرستاده می شود یا به شعبه دیگر؟
- ۳- قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای صادره پس از اعاده دادرسی چگونه است؟

نظریه شماره ۷/۶۴۴-۱۳۸۸/۲/۶

- ۱- آنچه در ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵ آمده است، احراز خلاف شرع بودن رای توسط ریاست محترم قوه قضائیه است و مقدمات این موضوع (درخواست حوزه نظارت استان یا سازمان قضائی) تأثیری در ماهیت ندارد، لذا چنانچه ریاست محترم قوه قضائیه خلاف شرع بودن رای را (صرف نظر از طریق اطلاع) تشخیص دهد، این تشخیص قانوناً به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده به مرجع صالح جهت رسیدگی ارسال می شود.
- ۲- در فرض سوال، در صورت پذیرش و تجویز اعاده دادرسی با توجه به بند ۶ ماده ۶ قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها، رسیدگی مجدد به شعبه دیگر همان دادگاه یا دادگاه هم عرض (به تشخیص دیوان عالی کشور) ارجاع می گردد، بنابراین شعبه ای که سابقه رسیدگی دارد نمی تواند مجدداً رسیدگی کند، هر چند قاضی شعبه تغییر یافته باشد.
- ۳- قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای که پس از قبول اعاده دادرسی صادر می شود تابع مقررات کلی مربوط به آراء است.

۲۵

سوال - مرجع رسیدگی به اعتراض واصله نسبت به صدور قرار بازداشت صادره توسط بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب در خصوص شخص متهم دادگاه عمومی جزایی است یا دادگاه کیفری استان و چرا؟

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

نظریه شماره ۷/۳۲۶-۱۳۸۸/۱/۲۵

رسیدگی به اعتراض به قرار بازداشت موقت و... به نحوی که در سوال آمده ولو اینکه آن جرایم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری استان باشد نیز حسب مورد با دادگاه عمومی و انقلاب می‌باشد و رسیدگی به اعتراض مقوله‌ای غیر از رسیدگی و صدور حکم است و دادگاه عمومی یا انقلاب صرفاً در خصوص موجه و غیرموجه بودن قرار صادره اظهار نظر می‌کند نه در ماهیت قضیه.

۲۶

سوال - اجرای حکم ضرر و زیان باید توسط چه مرجعی و تحت نظر چه مقامی انجام شود؟

نظریه شماره ۷/۳۳۶-۱۳۸۸/۱/۲۶

اجرای حکم توسط واحد اجرای احکام دادسرا انجام می‌گیرد و چون حسب مقررات ماده ۳۵ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۹ ریاست محترم قوه قضائیه، اجرای حکم باید تحت نظر رئیس دادگاه صادرکننده حکم صورت گیرد لذا در هر مورد که نیاز به صدور دستور قضایی باشد، واحد اجرای احکام باید پرونده را جهت صدور دستور مقتضی به نظر دادگاه موصوف برساند و در سایر موارد راساً نسبت به اجرای حکم اقدام نماید.

۲۷

سوال - آیا دادگاه کیفری استان با توجه به رای وحدت رویه شماره ۷۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱ هیات محکوم دیوان عالی کشور می‌تواند انجام بعضی از تحقیقات جرائمی را که دادسرا نسبت به آنها صلاحیت ذاتی رسیدگی را دارد از دادسرا بخواهد؟ و در این صورت وظیفه دادسرا چیست؟

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

مستفاد از تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی سال ۱۳۸۱ دادگاه کیفری استان حسب تبصره مرقوم بایستی نسبت به جرایمی که مطابق قانون صلاحیت رسیدگی به آنها را دارد وارد رسیدگی شده و چون رسیدگی به سایر اتهامات با دادسرا است در این مورد حسب ذیل تبصره یاد شده دادگاه کیفری استان می‌تواند انجام تحقیقات جرایمی را که دادسرا نسبت به آنها صلاحیت ذاتی دارد از دادسرا بخواهد و دادسرا می‌بایست پس از تکمیل تحقیقات پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال نماید.

۲۸

سوال:

- ۱- طبقه اعمال مواد ۳۸ و ۳۹ قانون مجازات اسلامی به چه ترتیب است؟ آیا دادستان می‌تواند پس از پیشنهاد سازمان زندان‌ها در صورت تایید آن، دستور آزادی مشروط زندانی را بدهد؟
- ۲- آیا پاره کردن قبض جریمه توسط راننده متخلف جرم است؟

نظریه شماره ۱۳۸۸/۴/۷-۲۰۷۱

- ۱- برابر مواد ۳۸ و ۳۹ قانون مجازات اسلامی، صدور حکم آزادی مشروط متوقف به پیشنهاد سازمان زندان‌ها و تایید دادستان و یا دادیار است و با تحقق شرایط مذکور در ماده ۳۸ قانون مذکور دادگاه می‌تواند حکم آزادی مشروط صادر کند. صدور چنین حکمی تکلیف دادستان یا دادگاه نیست و هر هریک از این دو مرجع قضایی لدی‌الافتضاء و حسب مورد مخیر به اعمال و اعطای این حقند. در فرض استعلام، دادستان تایید پیشنهاد سازمان زندان‌ها را منوط به تحمل دو سوم یا سه چهارم مدت محکومیت دانسته و این تشخیص مغایرتی با مقررات قانونی و اختیارات وی ندارد.
- ۲- پاره کردن قبض جریمه خارج از شمول مواد ۵۴۴ و ۶۸۱ قانون مجازات اسلامی است

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

سوال:

- ۱- آیا برای پنج عضو کمیسیون تجدیدنظر موضوع ماده ۵۲ قانون امور گمرکی مصوب سال ۱۳۵۱ تعیین عنوان جانشین (علی البدل) پیش‌بینی شده است؟
- ۲- ترتیب انتخاب و مدت عضویت اعضای کمیسیون تجدیدنظر امور گمرکی چگونه است؟

نظریه شماره ۷/۲۴۹۳ - ۱۳۸۸/۴/۲۴

الف - با توجه به مقررات مواد ۵۱ و ۵۲ قانون امور گمرکی و ماده ۳۲۰ آیین‌نامه اجرایی این قانون، عضو جانشین (علی البدل) در کمیسیون تجدیدنظر موضوع ماده ۵۲ قانون امور گمرکی پیش‌بینی نشده است.

ب- طبق تبصره ۲ ماده ۵۲ قانون امور گمرکی، ترتیب انتخاب و مدت عضویت اعضای کمیسیون تجدیدنظر همان است که در آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی مقرر شده است و چون در مقررات بخش پنجم این آیین‌نامه (از ماده ۳۲۰ به بعد) مدت عضویت اعضا کمیسیون تجدیدنظر، تعیین نشده است لذا تا زمانی که از جانب مقامات ذی‌ربط، سلب عضویت یا قطع عضویت آنها اعلام نشده است، عضو کمیسیون تجدیدنظر هستند و مقررات ماده ۳۰۱ آیین‌نامه قانون مذکور در خصوص کمیسیون بدوی است و قابل تسری به کمیسیون تجدیدنظر نیست.

* ضمیمه نشریه پیام آموزش، ویژه‌نامه قوانین و مقررات، شماره نهم، سال اول، اسفند ۱۳۸۸ و روزنامه رسمی شماره‌های ۱۹۱۱۷، ۱۹۱۲۵ و ۱۹۱۳۷

موسسه حقوقی آوای عدالت سروش